

به بهانه توزیع در شبکه خانگی

نگاهی به سریال «آکتور»

داستان سریال «آکتور» درباره زندگی پر فراز و نشیب چند بازیگر مستعد تئاتر است که بعد از پیشنهادی که به آن‌ها می‌شود زندگی شان درگیر ماجراهایی پیچیده می‌شود

به گزارش سایت خبری پرسون، «آکتور» بی‌تردید از لحاظ خلاقیت‌های هنری و دقت فنی، یکی از بهترین سریال‌های تاریخ شبکه نمایش خانگی تا به امروز است؛ اثری که صرفاً برای مصرف داخلی تولید نشده است و می‌تواند خیلی راحت راه خود را به شبکه‌های تلویزیونی خارجی هم باز کند.

شبکه نمایش خانگی در هفته‌هایی که از ماجراهای مربوط به سریال پرسروصدای «پوست شیر» و انبوه رئالیتی‌شوهای رنگارنگ لبریز بود، ساخته تازه نیما جاویدی کارگردان نام‌آشنای خراسانی به آرامی روی نوار موفقیت می‌خزید و پس از پایان تعطیلات نوروز بود که کم‌کم تصویر یک اثر جافتاده روی بدنه یک خطی آن ظاهر شد.

«آکتور» مجموعه‌ای عامه‌پسند نیست که رکوردها را بشکند، در فن پیچ‌ها برای انتشار قسمت جدیدش ساعت شمار بگذارد یا وقایعش به سوژه شبکه‌های اجتماعی مبدل شود، اما بی‌تردید از لحاظ خلاقیت‌های هنری و دقت فنی، یکی از بهترین سریال‌های تاریخ شبکه نمایش خانگی تا به امروز است؛ اثری که صرفاً برای مصرف داخلی تولید نشده است و می‌تواند خیلی راحت راه خود را به شبکه‌های تلویزیونی خارجی هم باز کند.

کارگردان خوش‌تکنیک

مهم‌ترین شاخصه هنری «آکتور» دقت نظر کارگردان آن است که با لحنی منحصر به فرد در اجرا، یک اثر به معنای دقیق کلمه «زیبا» و «چشم‌نواز» تولید کرده است. سریال نیما جاویدی اساساً متکی به تکنیک است و جالب است که مؤلفه‌های فنی آن عمداً به چشم می‌آیند. مشخص بودن عناصری همچون نور، صحنه، گریم و مهم‌تر از همه شیوه قاب‌بندی متمایز نظر مخاطب را جلب می‌کند، اما به جز چند مورد محدود، این عناصر از کنترل فیلم‌ساز خارج نمی‌شوند یا به تعبیر دیگر بیرون نمی‌زنند.

یکی از ویژگی‌های «آکتور» استفاده از عناصر فنی بارز است، اما این انتخاب‌ها کاملاً در خدمت پی‌رنگ قصه قرار دارند. وقتی بناست سریالی بسازیم که صراحتاً در نوشته ابتدایی خود، با اشاره به بیان شکسپیر، دنیا را به صحنه نمایش مانند می‌کند، منطقی‌ترین انتخاب ممکن این است که عناصر فنی و هنری این صحنه بزرگ نمایش (دنیا) به چشم بیایند.

فستیوال نور و تصویر

در سریالی که با یکی از کوبنده‌ترین سکانس‌های افتتاحیه در تاریخ سریال‌های ایرانی آغاز می‌شود، از همان ابتدای کار، اهمیت دوربین و نماهای متفاوت به چشم می‌آید. از بین مؤلفه‌های مختلف فنی و هنری سریال «آکتور»، نورپردازی شاخص و نظرگیر است؛ بالاخص در سکانس‌های تاریک داخلی که عنصر نور در آن‌ها، به طور جداگانه ارزش هنری دارد. علاوه بر این فیلم‌برداری یکی از خوش‌ذوق‌ترین استعدادهای سینمای ایران، یعنی مرتضی نجفی، هم از دیگر پایه‌های چشم‌نواز بودن «آکتور» است. حاصل همکاری نجفی و جاویدی به خلق پلان‌هایی منجر شده است که با مکت‌های دقیق، دلهره و اضطراب رانه فقط از چهره بازیگر، بلکه از قاب دوربین منتقل می‌کنند.

نماهای دونفره متوسط که از روبه‌رو گرفته می‌شوند، جذاب‌ترین پلان‌های این سریال را تشکیل می‌دهند و به طور مشخص در سکانس عطرفروشی مخاطب را با خود همراه می‌کنند. ناگفته نماند که در این مورد -لااقل در یک پلان به ازای هر قسمت- کار به خودنمایی هم می‌کشد و بعضاً قاب‌هایی را در این سریال می‌بینیم که بی‌جهت متفاوت هستند؛ یعنی شکل خاص فیلم‌برداری و کاشتن دوربین در آن‌ها در خدمت روند کلی قصه نیست و انگار هدف از آن‌ها بیشتر خودنمایی دوربین است.

لایه‌های دروغ

«آکتور» یک سریال محبوب و پرمخاطب نیست و بنایی هم برای پربیننده شدن ندارد. بیشتر کسانی که این مجموعه را دوست ندارند (غیر از مخاطبان بهانه‌جویی که به قیمت گوشی مرتضی اشاره می‌کنند یا مکت بیشتر بر روی تمرین‌های تئاتر را دلیلی برای آب بستن به سریال می‌دانند) در مواجهه با اثر تازه نیما جاویدی می‌گویند: «خب که چه؟» در لایه ابتدایی، حرف این گروه از مخاطبان که به دنبال یک پیام صریح یا یک قصه سرحال پرافت و خیز هستند، موجه به نظر می‌رسد، اما موضوع اصلی این است که «آکتور» برخلاف پوسته ظاهری‌اش، نه سریالی درباره مشکلات قشر بازیگر تئاتر است و نه اثری عاشقانه با موضوع علاقه یک پسر جوان به زنی که قبلاً ازدواج کرده است و بچه دارد و نه حتی مجموعه‌ای با موضوع اعتیاد.

اگر این دریافت‌های ابتدایی را کنار بگذاریم، «آکتور» مشخصاً سریالی درباره دروغ‌گویی در جامعه ایران است که حتماً یکی از شریف‌ترین و اخلاقی‌ترین موضوعاتی است که یک فیلم‌ساز می‌تواند برای سریال خود در نظر بگیرد. این مجموعه نمایشی، صرفاً زمینی مساعد برای بازی‌های فرمی (بازی در بازی

یا نمایش در نمایش) نیست و سازندگان جدول کلمات متقاطع درست نمی‌کنند، هرچند که سازندگان «آکتور» از این ظرفیت‌ها نیز به خوبی استفاده می‌کنند.

برعکس با سریالی طرفیم که، چون می‌خواهد فریب کاری آدم‌های به ظاهر بی‌گناه را تصویر کند، مجبور است که خودش هم به جاده تظاهر بیفتد و با نمایش موضوعات ساده مربوط به زندگی دو بازیگر تئاتر فقیر و پیشنهاد وسوسه‌کننده یک کارآگاه خصوصی، با احتیاط و به آرامی، نظر مخاطب را به موضوع رواج دروغ و پنهان کاری در جامعه جلب کند. در متن «آکتور»، حتی یکی از شخصیت‌های اصلی و فرعی را هم نمی‌توان «صادق» دانست و شگفت‌آور این است که پنهان کاری‌های شخصیت اصلی، یعنی علی که از همه شفاف‌تر به نظر می‌رسد، در قسمت‌های اخیر در حال برملا شدن است و احتمالاً بزرگ‌ترین بحران سریال را در اپیزودهای بعدی ایجاد خواهد کرد.

در حسرت بازنویسی

نمی‌توان گفت که فیلم‌نامه «آکتور» ضعیف یا حتی متوسط است، اما احتمالاً بیراه نخواهد بود که آن را چند قدم عقب‌تر از کارگردانی این اثر توصیف کنیم. در لحن کارگردانی این سریال یک جور سرکشی و شیطنت وجود دارد که امضای شخصی فیلم‌ساز هم به شمار می‌رود و توضیح دادیم که ساختار قصه می‌تواند این موضوع را توجیه کند. اما همین رویکرد، وقتی در نیما جاویدی -در مقام نویسنده- رسوخ کند، به «بازی‌گوشی» یا حتی «سهل‌انگاری» تعبیر می‌شود که چندان تناسبی با سطح بالای کیفی سریال ندارد.

گره‌گشایی‌های مقطعی سریال کاملاً بر حسب شانس و اتفاق رخ می‌دهند و این موضوع مطلقاً ربطی به مضمون کلی اثر ندارد و فقط به نحوی تدارک دیده شده است که جورچین وقایع را تکمیل کند.

منبع: شهرآرانیوز